

ناگهان شعر



مولانا جلال الدین بلخی

تونه چنانی که منم من نه چنانم که تویی  
تونه برانی که منم من نه بر آنم که تویی  
من همه در حکم توام توهمه در خون منی  
گر مه وخور شیدشوم من کم از آنم که تویی

باهمه ای رشک بری چون سوی من بر گذری  
باش چنین تیزمران تا که بدانم که تویی  
دوش گذشتی ز درم بوی نبرد من  
کرد خیر گوش مرا جان وروانم که تویی

چون همه جان رویدودل همچو گیاه خاک درت  
جان ودلی را چه محل ای دل وجانم که تویی  
ای نظرت ناظر مای اوخو درحاضر ما  
لیک مرا زهره کجتابه جهانم که تویی

چون تو مرا گوش کشان بردی از آن جا که منم  
برسر آن منظره ها هم بنشانم که تویی  
مستم و تومست ز من سهو و خطا جست ز من  
من نرسم لیک بدان هم تورسانم که تویی

زین همه خاموش کنم صبر و صبر نوش کنم  
عذر گناهی که کنون گفت زبانه که تویی

\*\*\*



هوشنگ ابتهاج (سایه)

فریاد که از عمر جهان هرنفسی رفت  
دیدیم کزین جمع پرانکده کسی رفت

شادی مکن از زادن و شیون مکن از مرگ  
زین گونه بسی آمدوزین گونه بسی رفت

آن طفل که چون پیر ازین قافله در ماند  
وآن پیر که چون طفل به بانگ جرسی رفت

از پیش و پس قافله عمر میندیش  
گه پیشروی پی شدو گه باز پسی رفت

ما همچو خسی بر سر دریای وجودیم  
دریاست چه سنجد که بر این موج خسی رفت

رفتی و فراموش شدی از دل دنیا  
چون ناله مرغی که ز یاد قفسی رفت

رفتی و غم آمد به سر جای تو ای داد  
بیدادگری آمدو فریاد سی رفت

این عمر سبکسایه ما بسته به آهی است  
دودی ز سر شمع پرید و نفسی رفت

\*\*\*



نزار قبابی

نمی توانم نامت را در دهانم

وتورا

در درونم

پنهان کنم.

گل بابوی خود چه می کند؟

گندم زار باخوشه اش؟

طاووس بادمش؟

چراغ باروغش؟

باتوسر به کجا بگذارم؟

کجا پنهانم کنم؟

وقتی مردم، تورادر حرکات دست هایم

موسیقی صدایم

موتوزان گام هایم

می بینند.

■

غلط ننویسیم

خشنود

املای این واژه به همین صورت درست است.  
بهتر است از نوشتن آن به صورت «خوشنود»  
پرهیز شود.

درب

واژه «درب» عربی را نباید به جای «در»  
فارسی به کار برد. «درب» به معنای «دروازه»  
شهر و قلعه» است و جمع آن «دروب» می شود.

بنابراین «درب اصلی دانشگاه» غلط است و  
به جای آن باید گفت: «در اصلی دانشگاه».

دسترس

این واژه اسم است نه صفت و نیاز به «ی» (اسم ساز  
ندارد. امروزه معمولاً «دسترسی» می گویند،  
ولی بهتر است مانند متون معتبر ادبیات فارسی  
«دسترس» گفته شود.

بر گرفته از کتاب «غلط ننویسیم»  
ابوالحسن نجفی

# فرش قرمز برای فردوسی از «کمبریج» تا «مون پلیه»

**دکتر محمد جعفر یاحقی، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
در گفت وگو با خراسان، از تجربه ها و مشاهدات عینی خود  
در مراکز و محافل دانشگاهی اروپا می گوید**



الیه آرانیان

culture@khorasannews.com

فرهنگ عمومی و هنر پرده خوانی و نقالی  
صحبت کردم. آن ها تحقیقاتی در این باره  
انجام می دهند که این مطالب برایشان مفید  
بود. بالاخره هر جامی رویم سخن از شاهنامه  
هست و زمینه برای گفت وگو از شاهنامه  
فراهم است».

■ خیابانی در پاریس به نام فردوسی

دکتر یاحقی از پیشینه توجه اروپایی ها به  
شاهنامه فردوسی این طور می گوید: «اولین بار  
انگلیسی ها در هندوستان با شاهنامه آشنا  
شدند و شروع به ترجمه و چاپ آن کردند. اولین  
ترجمه شاهنامه در غرب، ترجمه انگلیسی  
برادران وارنر است. اما مهم ترین ترجمه  
شاهنامه در زبان های غربی، ترجمه ژول مول،  
دانشمند آلمانی الاصل فرانسوی است که هم  
شاهنامه را تصحیح و هم آن را ترجمه کرد. البته  
فرانسوی ها قبل از ژول مول هم به شاهنامه  
توجه کرده بودند و کسانی مانند ویکتور هوگو،  
بعضی از داستان های شاهنامه را در آثارشان  
منعکس کردند. بعد از ژول مول این توجه  
بیشتر شد. در سال ۱۹۳۴ میلادی

که در ایران جشن بزرگی برای  
فردوسی برپا شد، در فرانسه  
هم کارهای بزرگی شد؛ مثلاً  
هنرمندان فرانسوی مجسمه ای  
از فردوسی در فرانسه ساختند  
و بعد به ایران منتقل کردند.  
در پاریس هم خیابانی به نام  
فردوسی نام گذاری شد که هنوز  
هم هست. بعدها آلمانی ها به  
ویژه دانشمندی به نام نوید که  
در باره شاهنامه تحقیقات زیادی  
کردند».

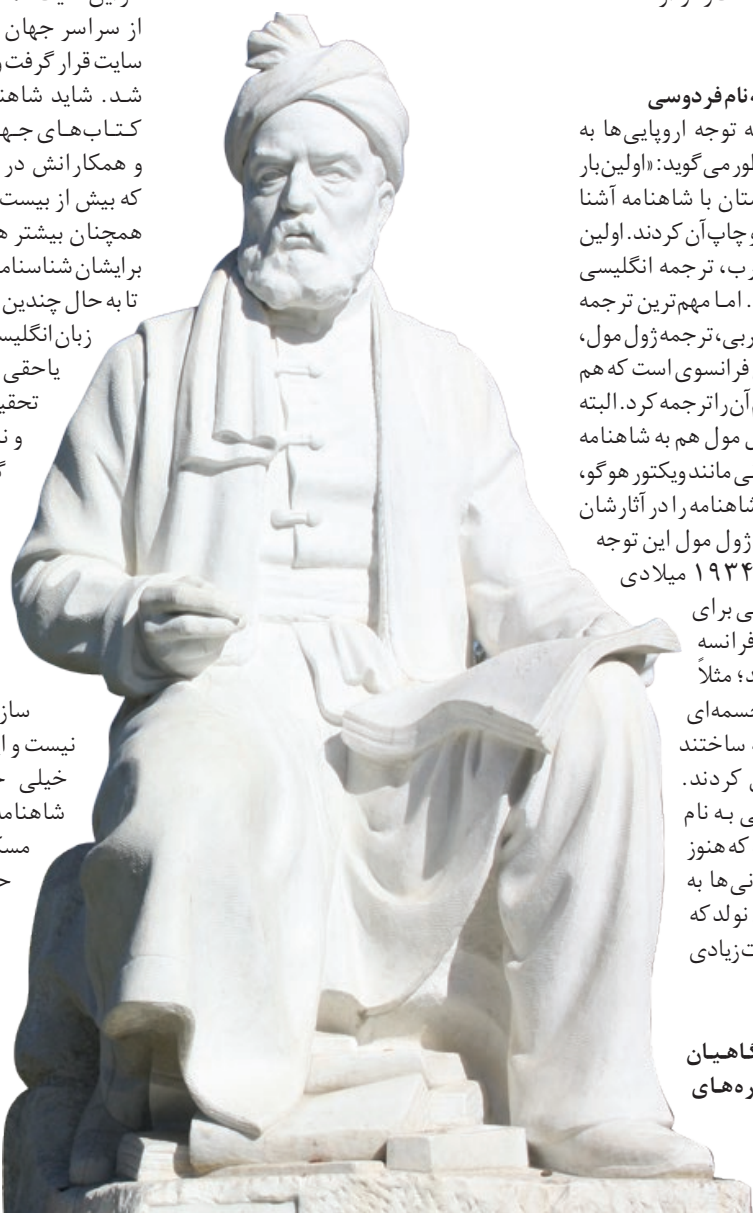
■ کار بزرگ دانشگاهیان

انگلیس در باره نگاره های  
شاهنامه  
این شاهنامه پژوه،

مهم ترین فعالیت اروپایی ها در سال های  
اخیر در باره شاهنامه را پروژه بزرگ چارلز  
ملویل، استاد دانشگاه کمبریج لندن می داند  
و می گوید: «از سال ۱۹۹۹ پروژه های در

دانشگاه کمبریج برای مطالعات نگاره ها و  
تصویرهای شاهنامه آغاز شد. چارلز ملویل  
برای این کار سایتی به نام پروژه شاهنامه  
راه اندازی کرد.  
در این سایت همه نسخه های مصور شاهنامه  
از سراسر جهان جمع شد و تصاویرش در  
سایت قرار گرفت و روی آن ها مطالعات انجام  
شد. شاید شاهنامه یکی از پرتصویرترین  
کتاب های جهان باشد. چارلز ملویل  
و همکارانش در کمبریج، همه نگاره ها را  
که بیش از بیست و چند هزار نگاره است و  
همچنان بیشتر هم می شود، دسته بندی و  
برایشان شناسنامه درست کردند.

تا به حال چندین مقاله و کتاب در این باره به  
زبان انگلیسی منتشر شده است». دکتر  
یاحقی در ادامه از کمرنگ شدن  
تحقیقات در باره شاهنامه در اروپا  
و نبود حمایت از سوی ایران  
گله می کند: «این تحقیقات  
در دانشگاه های اروپا به  
جز دانشگاه کمبریج،  
کمرنگ شده و فعالیتی  
هم اگر انجام می شود  
از سر علاقه شخصی  
محققان است. دیگر  
سازمان و تشکیلاتی در آن جا  
نیست و ایران هم از این تحقیقات  
خیلی حمایت نمی کند و عملاً  
شاهنامه پژوهی در خیلی از جاها  
مسکوت و متوقف مانده است. در  
حالی که در آمریکا، برخلاف  
اروپا، چندین نفر هستند  
که ترجمه های دیگری  
از شاهنامه به دست  
داده اند و نظریه هایی  
داده اند که محل بحث  
و نزاع و گفت وگویی  
شاهنامه شناسان  
شده است».



## پشت صحنه نگارش «دختران آفتاب»

**گفت وگو با بهزاد دانشگر، یکی از نویسنده های این کتاب که به تقریظ رهبر انقلاب آراسته شده است**

**درباره ایده نگارش  
کتاب «دختران آفتاب» بفرمایید. چه شد  
به سراغ چنین موضوعی رفتید؟**

من و آقایان بانکی پور و رضایتمند از  
روزگار نوجوانی، با هم دوست بودیم. آقای  
بانکی پور، درباره موضوعات مختلف،  
سخنرانی می کردند و همیشه در معرض  
پرسش ها و شبهه هایی درباره مسائل  
اجتماعی و معرفتی بودند که بخش  
زایدی از آن ها به زنان، مرتبط  
بود. اول کار به دنبال  
این بودیم که جزوهای  
کم حجم و جمع و جور،  
درباره این پرسش ها  
بنویسیم؛ اما وقتی کار  
را شروع کردیم، متوجه  
شدیم با حجم گسترده ای  
از مطالب در این زمینه روبه رو  
هستیم. سعی کردیم به جای

پژوهش صرف، با استفاده از ابزار  
داستان، موضوع را جذاب و خواندنی  
کنیم تا برای مخاطب جوان، خسته کننده  
نباشد. به مرور، کار به نگارش رمان  
«دختران آفتاب» رسید.

**نحوه همکاری با آقایان**

**بانکی پور و رضایتمند به چه شکل بود؟**  
تعیین سرفصل مباحث و تعیین موضوعات  
پژوهش با آقای بانکی پور و فیش برداری و  
مطالعات کتابخانه ای هم با آقای رضایتمند  
بود. نگارش کتاب را هم من برعهده داشتم.  
البته همزمان متن های نوشته شده در جمع  
سه نفره مان می شد. دوستان، نظر  
می دادند و متن، چکش کاری می شد.  
علاوه بر این، یک گروه مخاطب هم از  
دختران جوان دانشجو داشتیم که متن ها  
را می خواندند، نظر می دادند و کار جلو  
می رفت.



**نگارش کتاب، چقدر زمان برد  
و در این مسیر با چه چالش هایی مواجه  
بودید؟**

باتوجه به این که این کتاب، اولین کار  
نویسندگی من بود و تجربه چندانی نداشتم  
حدود یک سال و نیم نوشتن آن، زمان برد.  
چالش بسیار خاص و ویژه ای نداشتم. جمع  
سفره رمان، حال و هوای خوبی داشت و کارها  
به خوبی پیش می رفت. فقط این که متن ها را  
پیش از انتشار به بخشی از مخاطبان می دادیم تا  
بخوانند، کمی از ما زمان برد.

**در این سال ها استقبال از کتاب،**

**چطور بوده و به چاپ چندمرسیده است؟**

استقبال از کتاب، در همان سال های اول  
انتشار، خیلی خوب بود؛ به طوری که برخی از  
کتاب فروش ها معترض بودند که انتشارات،  
نمی تواند کتاب را به ما برساند. البته بعد از  
انتشار تقریظ رهبر انقلاب،

انتشارات هم توجه ویژه تری به کتاب کرد  
و تلاش کرد کتاب «دختران آفتاب» را بهتر  
توزیع کند.

**احساسستان از این که  
رهبر انقلاب بر کتاب تقریظ نوشتند،  
چهبود؟**

این مهم ترین جایزه ای بود که ما می توانستیم  
به دست بیاوریم. هر کسی که در حوزه ای کار  
می کند، قله ای مدنظرش است. برای خود من  
تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب، مهم ترین قله ای  
بود که در طول مسیرم توانستم به آن برسم.  
از این باب خیلی خوشحال هستم که کتاب،  
مورد توجه ایشان قرار گرفت و توجه مخاطبان  
زیادی هم به کتاب جلب شد.

**«دختران آفتاب» به زبان**

**دیگری ترجمه شده است؟**

تا آن جا که خبر دارم به زبان عربی ترجمه شده  
است و در کشور های عرب زبان هم  
منتشر می شود.

**از تازه ترین فعالیت های پتان در**

**زمینه نویسندگی بفرمایید.**  
در سال های اخیر با خودم فکر  
کردم اگر بخواهیم مطالب  
«دختران آفتاب» را با زبانی  
امروزی تر برای دختران نوجوانی  
که شاید حوصله خواندن کتابی  
با آن حجم را ندارند، بیان  
کنیم، باید مدل های تازه تری  
از روایت ها را بیابیم. از این رو،  
مجموعه کتابی را با همین حال  
و هوا به نام «نفس» نوشتم.  
همچنین دو کتاب «پناهیم باش» و  
«فکرشم نکن» با موضوع خانواده  
و فرزندآوری به چاپ رسیده و در  
مدت کوتاهی که از انتشارشان  
می گذرد، با استقبال مواجه  
شده اند.



پاتوق نقد

شیشه عطری

پشت این شعرها ریخته



**محمد بهبودی نیا**  
مجموعه شعر «تو  
بی دلیل زیبایی» اثر مهدی  
آخرتی، توسط انتشارات  
بوترمانی به چاپ رسیده که  
شامل ۷۴ شعر در قالب  
آزاد است. آخرتی که خود،

دستی در نقد آثار ادبی دارد، در مقدمه کتاب،  
رویکردش را به شعر آزاد امروز، به صراحت بیان  
می کند. او در بخشی از مقدمه کتاب می نویسد:  
«وضعیت امروز جریان شعر آزاد ما نگران کننده  
است. متأسفانه امروز، هر متنی که دارای اندکی  
عاطفه و احیاناً لعاب روشنفکر مآبانه باشد، شعر  
آزاد تلقی می شود. در دسته ای از این شعرها  
تقلید کورگورانه عده ای متشاعر تحت تأثیر  
از ادبیات اروپا و آمریکا به چشم می خورد که  
زیبایی های زبان فارسی و کشف هایی که در این  
زبان اتفاق می افتند را به فراموشی سپرده اند. این  
موارد باعث شده تا بدنامی هایی برای شعر آزاد  
باقی بماند». آخرتی با این نگاه به سراغ سرودن  
شعر آزاد رفته و کتاب «تو بی دلیل زیبایی» را  
منتشر کرده است.

آخرتی، تقریباً در تمامی شعرها چندین فن را با  
تغییراتی مورد استفاده قرار می دهد تا در هر شعر،  
فضای جدیدی را روی روی مخاطب قرار دهد. او با  
استفاده از فضا سازی عینی و قابل لمس، همواره  
مخاطب را با خود همراه می کند.

هر چه از ابتدا به انتهای کتاب نزدیک می شویم،  
شاعر ترفته های تازه تری برای شگفت زدگی  
مخاطب ر می کند. از نحوه سرایش شعرهای  
این کتاب، می توان به این نتیجه دست یافت که  
شاعر قصد دارد همه حواس پنج گانه مخاطب را  
با شعرش درگیر و از همه چیز به شکل شایسته ای  
در انتقال احساس و مفهوم شعر استفاده کند.  
او در شعرهایش گاهی یک تصویر را به مخاطب  
نشان می دهد، گاهی صدای شلیک گلوله را به  
گوش می رساند و در مواردی نیز حتی پای حس  
بویایی مخاطب را به شعر باز می کند. شاعر کتاب  
«تو بی دلیل زیبایی» در یکی از شعرها می نویسد:  
«به شیشه عطری فکر کن که پشت این شعر چیه  
شده» او در واقع با انتخاب به جای کلمات، دایره  
واژگانی گسترده، سلامت زبان، به میان کشیدن  
پای حرف های تازه، صمیمیت در کلام و استفاده  
از صناعات ادبی به شکل صحیح، مخاطب را به  
لذت بردن از رایحه عطری که در پشت شعرهایش  
جاری است، دعوت می کند.

البته یکی از نکاتی که از آن می توان به عنوان  
ضعف این کتاب یاد کرد، طریقه قرارگیری  
سطر ها به صورت نامنظم در صفحات ابتدایی  
کتاب است. این نوع قرارگیری سطر ها، ذهن  
مخاطب را دچار پرش در دریافت مفاهیم می کند؛  
اما هر چه پیش می رویم این اشکال و ایراستاری  
کمرنگ تر می شود و از اواسط کتاب به بعد این  
اشکال به صورت کامل رنگ می بازد.

موسیقی

علیرضا قربانی

تیتراژ «بی گناه» را خواند



تیتراژ پایانی سریال «بی گناه» با آهنگ سازی  
علیرضا افکاری و خوانندگی علیرضا قربانی منتشر  
شد. به گزارش ایرنا، تیتراژ پایانی سریال بی گناه با  
شعری از حسین غیاثی، آهنگ سازی علیرضا  
افکاری و صدای علیرضا قربانی خواننده موسیقی  
سنتی و تنظیم با مامدا امینی منتشر شد. علیرضا  
دریایی (ویولن)، فرزانه روزبهرانی (بندیر)، میلاد  
محمدی (سه تار) و مسعود همایونی (گیتار)  
نوازندگان این قطعه موسیقی و آرش پاکزاد (میکس  
و مستر) و محمد یعقوب خانی (گرافیک) از دیگر  
عوامل اجرای این قطعه هستند. تیتراژ پایانی  
سریال بی گناه به زودی در تمامی پلتفرم های  
معتبر موسیقی جهان هم منتشر خواهد  
شد. تیتراژ سریال بی گناه، دومین تجربه همکاری  
افکاری و قربانی پس از سریال هم گناه به  
کارگردانی مصطفی کیایی است؛ این اثر بازتاب  
بسیاری داشت و فضایی متفاوت در کارنامه کاری  
این هنرمندان مطرح عرصه موسیقی و آواز محسوب  
می شد. در ادامه دو آهنگ دیگر هم از قربانی و  
افکاری در سریال هم گناه پخش شد که تمامی  
آن آثار استقبال چشمگیر مخاطبان و منتقدان را  
به دنبال داشت. این دو از هنرمندانی هستند که  
طی سال های گذشته اهل تجربه گرایان و ساخت و  
اجرای آثاری در فضاهای متفاوت بوده اند.